

بررسی اهمیت بودجه در ساختار مالی شهرداری ها

فریدون نوروزی

کارشناسی مدیریت بانکداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اهمیت بودجه در ساختار مالی شهرداری ها انجام شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها انجام گرفت. نتایج نشان داد بودجه ریزی در شهرداری ها نه تنها به عنوان یک ابزار مالی، بلکه به عنوان یک فرآیند استراتژیک برای مدیریت منابع و تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی عمل می کند. اهمیت این فرآیند در شرایط کنونی، با توجه به چالش های متنوعی که شهرداری ها با آن مواجه هستند، بیش از پیش نمایان می شود. با اجرای یک سیستم بودجه ریزی مؤثر و شفاف، شهرداری ها می توانند به بهبود کیفیت خدمات عمومی، افزایش رضایت شهروندان و ارتقاء تاب آوری شهری دست یابند.

واژه های کلیدی: بودجه، بودجه ریزی، ساختار مالی، شهرداری

مقدمه

بودجه به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در مدیریت مالی شهرداری‌ها، نقش بسزایی در تحقق اهداف توسعه‌ای و بهبود کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند. در دنیای امروز که شهرها با چالش‌های متعددی از جمله افزایش جمعیت، نیاز به زیرساخت‌های مدرن، و تأمین خدمات عمومی مواجه هستند، اهمیت بودجه‌ریزی صحیح و کارآمد در ساختار مالی شهرداری‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود. بودجه به عنوان یک برنامه مالی، نه تنها منابع مالی را مشخص می‌کند، بلکه اولویت‌ها و نیازهای جامعه را نیز تعیین می‌نماید. این فرآیند به شهرداری‌ها کمک می‌کند تا با تخصیص بهینه منابع، پروژه‌های عمرانی، خدمات اجتماعی، و برنامه‌های فرهنگی را به بهترین نحو ممکن اجرا کنند. همچنین، بودجه‌ریزی صحیح می‌تواند به شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی شهرداری‌ها منجر شود و اعتماد شهروندان را به نهادهای محلی افزایش دهد. در این مقاله، به بررسی اهمیت بودجه در ساختار مالی شهرداری‌ها پرداخته خواهد شد.

تعریف بودجه

از بودجه تعاریف مختلفی ارائه شده است که هیچ کدام جامع و کامل نیست اما به طور کلی می‌توان بودجه را پیش بینی هزینه اجرای عملیات در طول مدت یک سال دانست که در نهایت به اعتبارات تقدیم می‌گردد. در حقیقت بودجه ابزاری برای رسیدن به اهداف برنامه و یا برش عملیاتی برنامه است. بودجه ریزی تفکری منسجم از منابع مالی محدود در برابر نیازهای نامحدود است به طوری که ارتباطات ارگانیک و همه جانبه بین منابع مالی و غیر مالی لحاظ شده باشد. از بودجه برداشت های مختلفی نیز به عمل آمده که به برخی از آنها می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

- بودجه سند دخل و خرج دولت است؛
- بودجه برنامه مالی است برای عملیات آتی؛
- بودجه ابزاری است برای بهبود و تصویب برنامه های توسعه
- بودجه ابزاری است برای رسیدن دولت به اهدافش در مسیر توسعه و رشد اقتصادی؛
- بودجه نوعی برنامه کار است پیش بینی است مجوز است و میتواند نوعی معیار هزینه و ضابطه ای برای سنجش کارایی دستگاه ها باشد. (شباهنگ، ۱۳۸۱: ۷)

آشنایی با سازمان های محلی

منظور از سازمان محلی سازمانی است عمومی که با اختیاراتی وسیع در قسمتی از خاک یک کشور مانند استان شهرستان بخش شهر و یا نواحی محدودتری مانند دهستان و ده برای اداره امور محلی آن قسمت به وجود می‌آید. این سازمان‌ها به موجب قوانین عمومی یا خصوصی مملکت ایجاد میشوند. اعضای آنها از سوی مردم محل انتخاب میگردند و قوانین و مقررات مورد نیاز محلی را نمایندگان منتخب مردم به تصویب می‌رسانند و حکومت مرکزی در چهار چوب قوانین مصوب بر این سازمان‌ها نظارت میکند در حقیقت سازمان‌های محلی واحدهای جغرافیایی فاقد حاکمیت می‌باشند که در داخل کشوری که دارای حاکمیت است قرار گرفته اند.

حکومت محلی سازمان‌های محلی در اندازه محدودتری یک کشور است. در مقایسه تعریف کشور با سازمان محلی برخی وجوه مشترک نمایان می‌شود. بدین معنی که واحدهای محلی مانند کشور بایستی دارای حدود و وظائف کلی و مشخص جمعیت و

قدرت لازم برای اجرای وظایف خود باشند؛ سازمان محلی با هر مشخصه ای فاقد حاکمیت هستند؛ لیکن دارای صفات مشخصه زیر می باشند.

جمعیت اولین عامل مهم در ایجاد سازمان های محلی جمعیت است؛ زیرا سازمان محلی برای رفع نیازهای مردم تشکیل می شود و اگر جمعیت وجود نداشته باشد حکومت محلی معنی نخواهد داشت. در قوانین بعضی از کشورها برای ایجاد سازمان های محلی انتخاب افرادی دارای شخصیت حقوقی که به نمایندگی از طرف مردم عمل می کنند برای جمعیت حداقلی در نظر گرفته شده است. مثلاً در قانون شهرداری های ایران مصوب ۱۳۳۴ برای تشکیل شهرداری حداقل جمعیت شهر ۵۰۰۰ نفر تعیین شده بود علت ضرورت تعیین حداقل جمعیت در سازمان های محلی این است که عده جمعیت باید به اندازه ای باشد که اولاً منابع مالی لازم برای اداره سازمان محلی را تأمین کند همچنین تهیه منابع انسانی مورد لزوم برای تجهیز سازمان جهت اجرای وظائف محل را امکان پذیرد سازد.

ا قلمرو دومین عامل ضروری برای تشکیل سازمان محلی قلمرو است. بدین معنی که هر سازمان محلی باید دارای محدوده مشخص و مجزا از سایر واحدهای ارضی باشد. وسعت قلمرو سازمان های محلی طبق مقتضیات حکومت محلی و بر اساس معیارهای مشخص تعیین می شود در سازمان های محلی توجه به وسعت قلمرو اهمیت زیادی دارد. قلمرو نباید آنقدر کوچک باشد که نتوان برنامه ای اساسی در آن اجرا نمود و نباید آنقدر بزرگ و وسیع باشد که نتوان کار مؤثری در آن انجام داد. در انتخاب وسعت مناسب برای قلمرو باید عواملی از قبیل آداب و رسوم مشترک، عمده جمعیت حرفه و شغل مردم منابع طبیعی و مادی وضع جغرافیایی استعدادهای صنعتی کشاورزی و تجاری محلی در نظر گرفته شود.

اقتدار سازمان های محلی سازمان های محلی برای اجرای وظائف محلی باید دارای حقوق و اختیارات کافی باشند. این اختیارات معمولاً ناشی از اجازه قانونی است که توسط سازمان های صلاحیت دار حکومت مرکزی تفویض می گردد. اختیارات محلی در سازمان های انتخابی از طریق انجمن هایی که اعضای آن را مردم انتخاب می کنند اعمال می شود. قانون انجمن محلی اجازه میدهد که قوانین و مقررات لازم را برای پیشرفت مقاصد محلی تصویب کنند و برای اجرا به عامل اجرایی سازمان محلی ارائه دهند. حدود اختیارات و میزان فعالیت های سازمان های محلی می باشد. اختیارات سازمان های محلی غیر انتخابی محدود است ولی اختیارات سازمان های محلی بیشتر به منشأ قدرت آنها بستگی دارد. سازمان های محلی حقوق و امتیازات خود را معمولاً از سه منشأ به دست می آورند:

۱- قانون اساسی

۲- قوانین عادی

۳- تصویب نامه ها و آئین نامه های قوه مجریه

فعالیت های ناشی از آئین نامه های اداری و دستورات مرکز اکثراً فعالیت هایی هستند که مأموران محلی به نمایندگی از جانب حکومت مرکزی انجام می دهند و انجمن های محلی برای اجرای آنها اختیار و استقلال ندارند.

اختیاراتی که از قوانین عادی سرچشمه میگیرند ممکن است به طور مستقل از سوی مقامات محلی اعمال شوند و به موجب آن وظائف و فعالیت های خاصی به مورد اجرا گذارده شود و یا ممکن است مقامات محلی به نمایندگی از طرف حکومت مرکزی این اختیارات را به اجرا بگذارند. اختیارات ناشی از قانون اساسی عموماً شامل وظائفی هستند که باید در محل به وسیله مردم محل اجرا شوند و سازمان های محلی انتخابی دارای اختیارات قانونی و صلاحیت ذاتی برای اعمال آن میباشند. سازمان های محلی که قدرت آنها ناشی از قانون اساسی است اختیارات محلی بیشتری دارند. در کشورهایی که منشأ اختیارات سازمان های محلی

قانون اساسی است این سازمان‌ها دارای صلاحیت ذاتی برای اجرای کلیه وظائفی هستند که قانون اجرای آن را منع نکرده و یا اجرای آن وظائف را به عهده سازمان دیگری محول نکرده است (شکیبا مقدم، ۱۳۸۷).

وضعیت مالی سازمان‌های محلی

درجه استقلال سازمان‌های محلی ارتباط زیادی به وضعیت مالی آن دارد. چنانچه سازمان‌های محلی منابع مالی کافی برای اجرای وظائف ضروری و مورد نیاز در اختیار نداشته باشند خدمات محلی ضروری یا از سوی سطح بالاتر حکومت محلی یا از سوی حکومت مرکزی انجام خواهد شد و با انجام نشده باقی خواهد ماند. سازمان‌های محلی بدون درآمد کافی اگر چه قدرت و اختیارات زیادی هم داشته باشند قادر به کار مؤثر نخواهند بود. به همین جهت به اکثر سازمان‌های محلی خصوصاً سازمان‌های محل انتخابی اختیار داده شده است که با وضع و وصول عوارض و مالیات وجوه لازم برای اجرای خدمات مورد نیاز را تهیه کنند. لازم به ذکر است بدون پول سازمان‌های محلی نمی توانند اشخاص را به استخدام در آورند و وسایل خدمات انسانی را آماده کنند.

توسعه روزافزون نیازهای عمومی موجب شده است که امروزه سازمان‌های محلی در بسیاری از کشورها نتوانند منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کنند. به همین جهت حکومت‌های مرکزی بخش قابل توجهی از بودجه این سازمان‌ها را تأمین می کنند. کمکهای مالی حکومت مرکزی معمولاً استقلال محلی را تحت تأثیر قرار می دهد و آن را محدود می کند. در کشورهایی که حکومت‌های مرکزی با وضع مالیات مستقیم و غیر مستقیم قسمت اعظم درآمد مردم را جذب میکنند سازمان‌های محلی نمی توانند عوارض مورد نیاز را از مردم وصول کنند. به همین جهت این سازمان‌ها خصوصاً واحدهای کوچک قادر نیستند خدمات مورد نیاز را ارائه دهند و ناچار میشوند اجرای خدمات محلی را از سازمان‌های واسطه حکومت مرکزی طلب کنند که این عمل استقلال آنها را حداقل در موارد به خصوص محدود می کند. منابع مالی در بقای سازمان‌های محلی بسیار مؤثر است. به همین جهت سازمان‌هایی که بتوانند منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کنند یا از کنترل حکومت مرکزی خارج میشوند و یا کنترل کمی بر آنها اعمال می گردد. کمبودهای مالی و اشکالات ناشی از آن موجب شده است که سازمان‌های محلی بیش از پیش برای کمک مالی به حکومت مرکزی فراهم شوند و حداقل تأثیر این وابستگی تفویض حق تعیین خط مشی و استاندارد بعضی از وظائف محلی به حکومت مرکزی است.

درآمد سازمان‌های محلی معمولاً از چهار منبع اساسی زیر تأمین می شود:

- ۱- مالیات و عوارض که مستقیماً از مردم محل وصول می شود.
- ۲- عوارض توام با مالیات این نوع عوارض معمولاً بر منابعی وضع می‌شود که به سهولت در دسترس سازمان‌های محلی قرار نمی گیرند. مهم ترین این منابع عبارتند از گمرک اموال و درآمد شرکتها اراضی کشاورزی، صرافی اموال و درآمد سازمان‌های بازرگانی

۳- کمکهای مالی مشروط و غیر مشروط حکومت مرکزی

۴- بهای خدمات (رضائی، ۱۴۰۳).

امور مالی و بودجه شهرداری ها

نهادهای بزرگ بخش عمومی نظیر شهرداری ها برای اداره امور امور انجام وظائف و تحقق هدف های اجتماعی و قانونی خود فعالیت های متنوعی را انجام می دهند. این فعالیت ها به صورت معمول در دو دسته کلی به شرح زیر طبقه بندی می شوند:

الف) فعالیت های حاکمیتی غیر بازرگانی: فعالیت هایی است که برای تحقق هدف های اصلی شهرداری انجام می شود. منبع مالی مورد نیاز برای انجام این فعالیت ها عمدتاً از طریق عوارض عمومی و یا عوارض خاص تأمین و کسری آن از طریق استقراض فراهم می شود که باز پرداخت آن نیز از محل همان عوارض صورت می گیرد. منافع این دسته از فعالیت ها که در چهارچوب امور حاکمیتی انجام می شود شامل همه اقشار جامعه است و بهره مندی از خدمات حاصل از قبیل فعالیت موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی شود فعالیت هایی که در چهارچوب امور حاکمیتی انجام می شود به صورت غیر بازرگانی و غیر مبادله ای است و به همین دلیل اینگونه فعالیت ها را فعالیت های حاکمیتی یا غیر بازرگانی می نامند.

ب) فعالیت های بازرگانی تصدی گری: فعالیت هایی است که بر مبنای رابطه مبادله ای و دو جانبه انجام و به شیوه بازرگانی اداره می شود و هدف از آن تحقق بخشی از مأموریت های شهرداری است. منابع مالی مورد نیاز برای انجام این فعالیت ها مستقیماً از طریق دریافت تمام یا قسمتی از بهای تمام شده کالا و خدمات از استفاده کنندگان تأمین می شود. بهای تمام شده این قبیل فعالیت ها رابطه ای مبادله ای و مستقیم با محصول یا خدماتی دارد که از طریق انجام این فعالیت ها حاصل می شود (جندقی و فرزانه مهر، ۱۳۹۹).

فرآیند بودجه ریزی در شهرداری ها

فرآیند بودجه ریزی در شهرداری ها یکی از مراحل حیاتی در مدیریت مالی و برنامه ریزی شهری است که به منظور تخصیص منابع مالی به پروژه ها و خدمات عمومی انجام می شود. این فرآیند شامل چندین مرحله کلیدی است که هر یک به نوبه خود تأثیر بسزایی در تحقق اهداف توسعه ای و بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد.

۱. تحلیل نیازها و اولویت ها: در ابتدا، شهرداری باید نیازهای جامعه را شناسایی کند. این مرحله شامل بررسی مشکلات و چالش های موجود در شهر، نظرسنجی از شهروندان و مشورت با کارشناسان و ذینفعان است. بر اساس این تحلیل، اولویت های مالی و پروژه های مورد نیاز تعیین می شود.

۲. تهیه پیش نویس بودجه: پس از شناسایی نیازها، مرحله بعدی تهیه پیش نویس بودجه است. در این مرحله، منابع مالی موجود (مانند درآمدهای مالیاتی، کمک های دولتی و سایر منابع) و هزینه های مورد نیاز برای اجرای پروژه ها و خدمات عمومی برآورد می شود. این پیش نویس باید به گونه ای تنظیم شود که تعادل بین درآمدها و هزینه ها حفظ شود.

۳. بررسی و تصویب بودجه: پیش نویس بودجه پس از تهیه، به شورای شهر ارائه می شود. شورای شهر با بررسی جزئیات بودجه، می تواند تغییرات و اصلاحات لازم را اعمال کند. پس از تصویب نهایی، بودجه به عنوان سند رسمی مالی شهرداری به اجرا در می آید.

۴. اجرا و نظارت: پس از تصویب، مرحله اجرای بودجه آغاز می شود. در این مرحله، شهرداری باید منابع مالی را به پروژه ها و خدمات تخصیص دهد و بر روند اجرای آنها نظارت کند. نظارت مستمر بر اجرای بودجه به شهرداری کمک می کند تا از انحرافات مالی جلوگیری کرده و به اهداف تعیین شده دست یابد.

۵. ارزیابی و گزارش دهی: در نهایت، پس از پایان سال مالی، شهرداری باید عملکرد مالی خود را ارزیابی کند. این ارزیابی شامل مقایسه هزینه‌های واقعی با بودجه مصوب و تحلیل دلایل انحرافات احتمالی است. همچنین، گزارش‌های مالی به شهروندان و ذینفعان ارائه می‌شود تا شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی شهرداری حفظ شود. فرآیند بودجه‌ریزی در شهرداری‌ها نه تنها به تخصیص بهینه منابع مالی کمک می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت خدمات عمومی و ارتقاء رضایت شهروندان نیز منجر می‌شود. با توجه به چالش‌های روزافزون شهری، اهمیت این فرآیند در مدیریت کارآمد و مؤثر شهرداری‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود.

اهمیت بودجه در ساختار مالی شهرداری‌ها

مجموعه شهرداری‌ها در ایران بعد از دولت بزرگترین مجموعه مؤسسات عمومی غیر انتفاعی هستند. شهرداری‌ها همان ویژگی‌های عمومی ناظر بر تشکیل مؤسسات عمومی را دارا هستند. طبق مهم‌ترین مؤلفه مؤسسات عمومی غیر انتفاعی یعنی تشکیل بر اساس قانون شهرداری‌ها در ایران برای اولین بار طبق قانون بلدیة مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری مطابق با سال ۱۳۲۸ شمسی تشکیل شدند و رسمیت یافتند این قانون در فراز و فرودهای تاریخ یک صد ساله فعالیت شهرداری‌ها در مقاطع تاریخی مختلف هر از گاهی جای خود را به قانونی جدیدتر داده است.

اما بیش از ۵۰ سال است که آخرین قانون مصوب تیر ماه ۱۳۳۴ به عنون قانون پایه با اصلاحات و الحاقات مکمل ناظر بر تشکیل و فعالیت شهرداری‌های کشور می‌باشد. در بند ب فصل هفتم مقررات استخدامی و مالی این قانون تحت عنوان مقررات مالی مقررات کلی ناظر بر فعالیت مالی شهرداری‌ها تبیین شده است. ضمن اینکه در مواردی از فصل ششم در وظائف شهرداری و بندهایی از ماده ۷۱ قانون شوراها نیز برخی مقررات مربوط به وظائف اجرایی مالی شهرداری و نظایر مالی شوراهای اسلامی متناسب تعیین شده است. این مقررات کلی بوده و در خصوص جزئیات مراحل اجرا و نظارت‌های مالی مفاد ۱۰۴ این قانون چنین حکم می‌کنند

ماده ۱۰۴ نحوه انجام معاملات و مقررات مالی شهرداری‌ها طبق آئین نامه ای خواهد بود که ظرف ۳ ماه پس از تصویب این قانون از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک مجلس برسد. این آئین نامه در تاریخ ۱۳۴۶، ۴، ۱۲ به تصویب رسیده و با اصلاحاتی که در مدت ۴۰ سال اخیر به آن اضافه شده هم اکنون مورد عمل شهرداری‌های کشور می‌باشد. در قسمت دوم این آئین نامه تحت عنوان امور مالی، فصل اول به بودجه شهرداری اختصاص دارد.

شهرداری‌ها به مثابه مؤسسات عمومی غیر انتفاعی هم بر اساس موازین قانونی ملزم به تهیه و تصویب بودجه هستند و هم با تهیه و تصویب بودجه مدیریت شهرداری قادر خواهد بود که برای برآورد اجرای وظائف و برنامه‌های عمرانی و خدمات شهری درآمدها و سایر منابع لازم را پیش بینی و برای وصول آن برنامه ریزی نماید. مواد قانونی ذیل ناظر بر تعریف بودجه شهرداری و نحوه تهیه و تصویب آن است.

ماده ۶۵ قانون شهرداری هر شهرداری دارای بودجه ای است که پس از تصویب انجمن شهر قابل اجرا می باشد. ماده ۲۳ آئین نامه مالی شهرداری‌ها بودجه سالانه شهرداری عبارت است از یک برنامه جامع مالی که در آن کلیه خدمات و فعالیت و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود همراه با برآورد مبلغ و میزان مخارج و درآمدهای لازم برای تأمین هزینه آن انجام می‌شود و پس از تصویب انجمن شهر قابل اجرا است.

این تعریف ساده از بودجه شهرداری با بسیاری از تعاریف ارائه شده برای بودجه در منابع مختلف مطابقت دارد و همه عناصر تعریف بودجه را به شرح زیر داراست:

الف: بودجه شهرداری یک برنامه مالی است.

ب: بودجه شهرداری برای دوره زمانی معین تهیه می شود.

ج: بودجه شهرداری حاوی پیش بینی درآمدها و برآورد هزینه ها برای آینده است.

د: بودجه شهرداری برای تأمین هزینه اجرای عملیات شهرداری تهیه می گردد (وکیل زاده، ۱۴۰۰).

سوابق تاریخی بودجه بندی در شهرداری های ایران

بودجه در ساختار مالی شهرداری های قدیم (بلدیه) به صورت سیاهه ای از دخل و خرج تهیه می شد. تنظیم بودجه در قالب جدیدتر با نفوذ دانش و فنون جدید علم مدیریت در ایران از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ سده ۱۳۰۰ شمسی مورد توجه دولت و به تبع آن مدیریت ستادی شهرداری ها در وزارت کشور قرار گرفت پس از تصویب لایحه قانونی شهرداری در خرداد سال ۱۳۳۲ وزارت کشور برای اولین بار در اواخر سال ۱۳۳۳ بخشنامه ای به شهرداری ها ابلاغ نمود که در آن چهارچوب تهیه و تنظیم و تصویب بودجه شهرداری مشخص شده بود در این بخشنامه به نکاتی اشاره شده بود که شهرداری ها میبایست در تهیه و تصویب بودجه سال ۱۳۳۴ که طبق قانون باید تا آخر دی ماه برای تصویب انجمن شهر ارائه شود رعایت نمایند با تصویب قانون اصلاحی مورخ ۱۳۷۵، ۱۱، ۲۷ قانون شهرداری، هم در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۶۸ سهم سازمان های دولتی از درآمدهای مستمر شهرداری تعیین گردید و هم در آن تصریح شد که بقیه درآمدهای شهرداری بر اساس تقسیماتی خواهد بود که با توجه به احتیاجات و مقتضیات محلی به پیشنهاد شهرداری و تصویب انجمن شهر برای تأمین هزینه های سازمانی و اداری شهرداری و امور دفاع غیر نظامی، امور خیریه و سایر تکالیفی که به موجب قانون به عهده شهرداری ها محول شده است تخصیص داده می شود. در ادامه نیز تأکید شد که این تقسیمات باید به نحوی باشد که در هر صورت میزان اعتبارات عمرانی از ۴۰ درصد بودجه سالانه کمتر نباشد. این ماده قانونی مبنای یک طبقه بندی هزینه را در شهرداری به وجود آورد که باید در برگزیده عناوین زیر باشد:

- هزینه حقوق و مزایای کارمندان
- هزینه اداری
- هزینه های امور دفاع غیر نظامی
- هزینه های امور اجتماعی و خیریه
- هزینه های خدمات شهری
- هزینه های عمرانی

پس از تصویب آئین نامه مالی شهرداری ها در تاریخ ۱۳۴۶، ۴، ۱۲ و طبقه بندی درآمدهای شهرداری در ماده ۲۹ آن. طرف درآمدهای بودجه شهرداری نیز دارای طبقه بندی بودجه ای قانونی به شرح زیر شد. طبق ماده ۲۹ درآمد شهرداری ها به شش طبقه به شرح زیر تقسیم می شود:

۱- درآمدهای ناشی از عوارض درآمدهای مستمر

۲- درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی

۳- بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری

- ۴- درآمدهای حاصله از وجوه و اموال شهرداری
- ۵- کمکهای اعطائی دولت و سازمان‌های دولتی
- ۶- اعانات و کمکهای اهدایی اشخاص و سازمان‌های خصوصی و اموال و داراییهایی که به طور اتفاقی یا به موجب قانون به شهرداری تعلق می‌گیرد (رشیدی ناصرخانی، ۱۴۰۰).

چالش‌ها و موانع موجود در بودجه‌ریزی شهرداری‌ها

چالش‌ها و موانع موجود در بودجه‌ریزی شهرداری‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی بر کارایی و اثربخشی فرآیند مدیریت مالی تأثیر بگذارد. در زیر به برخی از این چالش‌ها و موانع اشاره می‌شود:

۱. **کمبود منابع مالی:** یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای شهرداری‌ها، محدودیت در منابع مالی است. وابستگی به درآمدهای مالیاتی و کمک‌های دولتی می‌تواند باعث ناپایداری در تأمین مالی پروژه‌ها و خدمات شود.
 ۲. **عدم شفافیت و پاسخگویی:** در بسیاری از موارد، فرآیند بودجه‌ریزی در شهرداری‌ها به دلیل عدم شفافیت و پاسخگویی کافی، با انتقادات و عدم اعتماد شهروندان مواجه می‌شود. این مسئله می‌تواند به کاهش مشارکت عمومی و نارضایتی شهروندان منجر شود.
 ۳. **عدم هماهنگی بین بخش‌ها:** نبود هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف شهرداری می‌تواند به تداخل در برنامه‌ریزی و تخصیص منابع منجر شود. این عدم هماهنگی ممکن است باعث هدررفت منابع و کاهش کارایی پروژه‌ها گردد.
 ۴. **چالش‌های سیاسی:** تصمیم‌گیری‌های سیاسی و فشارهای ناشی از منافع گروه‌های خاص می‌تواند بر فرآیند بودجه‌ریزی تأثیر منفی بگذارد. این چالش‌ها ممکن است منجر به تخصیص نادرست منابع و عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه شود.
 ۵. **عدم وجود داده‌های دقیق و به‌روز:** برای تهیه یک بودجه مؤثر، نیاز به داده‌های دقیق و به‌روز در مورد نیازها، هزینه‌ها و درآمدها وجود دارد. عدم دسترسی به این اطلاعات می‌تواند فرآیند بودجه‌ریزی را مختل کند و منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست شود.
 ۶. **تغییرات سریع در نیازهای شهری:** با توجه به تغییرات سریع در جمعیت، نیازهای اجتماعی و اقتصادی، شهرداری‌ها باید قادر به تطبیق سریع با این تغییرات باشند. عدم انعطاف‌پذیری در بودجه‌ریزی می‌تواند به عدم پاسخگویی به نیازهای جدید منجر شود.
 ۷. **چالش‌های قانونی و مقرراتی:** قوانین و مقررات پیچیده می‌تواند فرآیند بودجه‌ریزی را دشوار کند و شهرداری‌ها را در اجرای برنامه‌های خود محدود نماید.
 ۸. **عدم آموزش و توانمندسازی کارکنان:** نبود آموزش و توانمندسازی کافی برای کارکنان شهرداری در زمینه بودجه‌ریزی و مدیریت مالی می‌تواند به کاهش کارایی و کیفیت فرآیند بودجه‌ریزی منجر شود.
- با شناسایی و مدیریت این چالش‌ها و موانع، شهرداری‌ها می‌توانند بهبود قابل توجهی در فرآیند بودجه‌ریزی خود داشته باشند و به اهداف توسعه‌ای و بهبود خدمات عمومی دست یابند.

منابع و مأخذ

۱. جندقی، غلامرضا، فرزانه مهر، علی (۱۳۹۹) مدیریت مالی و بودجه ریزی در شهرداری ها، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. رشیدی ناصرخانی، منیژه (۱۴۰۰) مدیریت مالی و بودجه شهرداری ها در ایران و جهان. انتشارات رهام اندیشه.
۳. رضائی، زینب (۱۴۰۳) ضرورت مدیریت مالی و نظارت بر بودجه ریزی در شهرداری ها، سومین همایش بین المللی علوم سیاسی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری، همدان.
۴. شباهنگ، رضا (۱۳۸۳) مدیریت مالی، انتشارات سازمان حسابرسی.
۵. شکیبا مقدم، محمد (۱۳۸۷) مدیریت سازمان های محلی و شهرداری ها برای دانشجویان رشته مدیریت دولتی، انتشارات ترمه، میر.
۶. وکیل زاده، جواد (۱۴۰۰) بررسی اهمیت و تاثیرات بودجه ریزی بر سیستم مالی شهرداری ها (مطالعه موردی : شهرداری کلانشهر مشهد)، هفتمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.